

## بسمه تعالی

### معنای مکالمه ی درس ششم:

رضا: ما برنامه داریم که به دریاچه برویم. تو میخواهی که با ما بیایی؟

احسان: فکر نمیکنم، من از اردوهای مدرسه خوشم نمی آید، تابستان گذشته افتادم و پای خود را شکستم.

رضا: بعضی مواقع پیش می آید، مچ پای من زمستان گذشته پیچ خورد. برای دو هفته در خانه ماندم.

احسان: چقدر بد!! من نمیدانستم.

رضا: بله ....، اما بعد از آن در کلاس های کمک های اولیه ی هلال احمر شرکت کردم. من یاد گرفتم که چگونه از خودم مراقبت کنم.

احسان: دوستش دارم (خوشم آمد). میتوانی چند پیشنهاد به من بدهی؟

رضا: حتما

### معنای عبارتهای درس ششم(صفحه های 128،129،130):

به ترتیب ستونی از ستون اول صفحه ی 128:

او دست خود را سوزاند.

او پای خود را شکست.

خیلی درد میکند.

ستون دوم:

او سر خود را به در زد.

در حال خون آمدن است.

چسباندن/گذاشتن چسب زخم روی زخم.

ستون اول صفحه ی 129:

من به زانویم آسیب رساندم.

او از کودکش مراقبت میکند.

او یک چشم سیاه دارد ( چشمش کبودی دارد)

## ستون دوم:

او انگشتش را برید.  
او چند جای کبودی دارد.  
او یک تصادف داشت (تصادف کرد)

## صفحه ی 130:

او یک جای زخم دارد.  
او یک حمله ی قلبی داشت.  
او یک پا در گچ دارد (یک پایش در گچ است)